

به نام پروردگاریت

جامعه‌شناسی مطلقه‌گی

بررسی تجربه زیسته طلاق‌گرفته‌ها
و پیامدهای اجتماعی آن

سید بیوک محمدی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۳۹۹



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۸۳۱۷۱۹۲

جامعه‌شناسی مطلقه‌گی

بررسی تجربه زیسته طلاق‌گرفته‌ها و پیامدهای اجتماعی آن

مؤلف: سید بیوک محمدی

همکار اصلی: فرشته میرخشتی

سایر همکاران: معصومه شیرعلیزاده

مدیر انتشارات: بدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

صفحه‌آرا: جابر شیخ محمدی

مسئول فنی: عرفان بهار دوست

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: گام اول

قیمت: ۴۷۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: محمدی، بیوک، ۱۳۲۶ -

عنوان و نام پدیدآور: جامعه‌شناسی مطلقه‌گی: بررسی تجربه زیسته طلاق‌گرفته‌ها و پیامدهای اجتماعی آن / سیدبیوک محمدی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۲۵۸ص: ۱۴/۲۱×۵/۵س.م.

شابک: 4-630476-622-978

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ۲۵۶-۲۵۱.

عنوان دیگر: بررسی تجربه زیسته طلاق‌گرفته‌ها و پیامدهای اجتماعی آن .

موضوع: طلاق -- جنبه‌های اجتماعی، موضوع: Divorce -- Social aspects

موضوع: طلاق گرفتگان -- ایران، موضوع: Divorced people -- Iran

موضوع: طلاق -- جنبه‌های جامعه‌شناختی، موضوع: Divorce -- Sociological aspects

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شناسه افزوده: Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: HQ۸۱۹

رده بندی دیویی: ۳۰۶/۸۹

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۹۸۹۳۴

وضعیت رکورد: فیبا

تمام مشکلات دامنه‌دار و پایدار روان‌شناختی، از مشکلات ارتباطی نشأت می‌گیرند. لذا وجود یک رابطه مشکل‌دار، همواره بخشی از زندگی کنونی مردم محسوب می‌شود.

ویلیام گلسر مؤلف کتاب *نظریه انتخاب* (۱۳۹۰)

فهرست مطالب

پیشگفتار	۷
فصل اول: داستان زندگی	۱۹
تجربه زیسته و روایت آن	۲۰
داستان‌های زندگی	۲۳
تعمقی در نکات مشترک روایات	۵۴
خلاصه فصل	۵۸
فصل دوم: تجربه زیسته و فضاهای زندگی	۶۱
۱. داستان‌های ناتمام گذشته	۶۲
۲. مناسبات اجتماعی	۶۹
۳. شرایط اقتصادی - اجتماعی	۸۲
۴. فرزندان و ساختار خانواده	۸۹
۵. حق و حقوق و نظام قانونی	۹۷
خلاصه فصل	۱۰۴
فصل سوم: ارزش‌ها و الویت‌های مطلقه‌ها	۱۰۷
منشاء ارزش‌ها و تأثیر آنها در انتخاب‌ها	۱۰۸
ارزش‌های فرهنگی	۱۱۳
ارزش‌های شخصی زنان و مردان مطلقه	۱۲۲
تجربه زیسته و انتخاب از میان ارزش‌ها	۱۲۵
الگوهای غالب در انتخاب‌ها	۱۳۶
خلاصه فصل	۱۴۴

۱۴۷.....	فصل چهارم: استراتژی‌های رفع تنهایی
۱۴۸.....	مشکل تنهایی و نیاز به رابطه
۱۵۲.....	۱. محرومان
۱۶۱.....	۲. کمال‌طلب‌ها
۱۶۷.....	۳. خوشگذران‌ها
۱۸۹.....	۴. نوآوران
۱۹۳.....	۵. واقع‌بین‌ها
۱۹۹.....	خلاصه فصل
۲۰۱.....	فصل پنجم: مطلقه‌گی به مثابه مسئله‌ای اجتماعی
۲۰۴.....	معیار مسئله اجتماعی
۲۰۹.....	شکاف بین واقعیات و ایده‌آل‌ها
۲۱۸.....	تجزیه و تحلیل: عشق سیال در جامعهٔ آنومیک
۲۲۷.....	مطلقه‌گی در دو نگاه خرد و کلان
۲۳۳.....	خلاصه فصل
۲۳۵.....	یک خلاصه و چند نکته
۲۴۹.....	فهرست منابع (فارسی)
۲۵۳.....	فهرست منابع (انگلیسی)
۲۵۷.....	درباره مؤلف

پیشگفتار

مطلقه‌ها هم به عنوان گروه مسئله‌دار و هم گروه مسئله‌زا برای جامعه مطرح بوده‌اند. آنان که از همسرشان جدا می‌شوند، حتماً دلایلی برای خود داشته‌اند. جدایی همسران با اینکه امری غیرقانونی یا غیر اخلاقی نیست اما در نهایت هم برای اعضاء خانواده‌ها با درد و رنج همراه است و هم در انظار، امری منفی تلقی می‌شود. تا آنجا که از طلاق، به عنوان یک مسئله اجتماعی نامطلوب یاد می‌شود. جدایی همسران، معضلی است که به دلیل ملاحظات سیاسی، سعی می‌شود وجود آن را به سکوت برگزار کرد. برخی از مسئولین علاقه‌ای به مطرح کردن وجود چنین مشکلی در جامعه ندارند. چرا که آشکار کردن بخشی از چهره نامطلوب جامعه، ضعف‌های ما را به نمایش می‌گذارد. تحقیق حاضر سعی دارد با نگاهی عینی و جامع با هر دو جنبه این مسئله برخورد کند. شاید این تلاش روشنگرانه برای افراد درگیر در این مشکل قابل استفاده باشد و برای مسئولانی که مشتاق به حل مسئله هستند نیز تا حدی راهگشایی کند. امروزه مطالعات اجتماعی، بیش از روش تحقیق مناسب به بلندنظری و شجاعت اخلاقی همراه با صداقت علمی نیازمند می‌باشند. چرا که این قبیل مطالعات نه تنها با تجربیات شخصی محقق و اطرافیانش تلاقی پیدا می‌کند بلکه با مرکز ثقل جامعه نیز ربط دارد. صحبت درباره مطلقه‌ها از این دست موضوعات است. در لابلای مصاحبه‌ها و مشاهدات متوجه شدیم که چگونه در عمق مشکلات مطلقه‌ها، مشکلات فردی و مسایل

اجتماعی خودنمایی می‌کنند در راستای چنین برداشتی است که در این تحقیق، تغییر نقش اجتماعی مطلقه‌ها را در سایه تجارب زندگی روزمره‌شان، محور قرار داده‌ایم. از این رو است دغدغه خود از تحقیق در باره مطلقه‌ها را به شکل زیر بیان می‌کنیم.

دغدغه محقق/از تحقیق حاضر: جدایی از همسر فقط به معنای مجرد شدن، فروپاشی خانواده و یا سرگردانی فرزندان طلاق نیست بلکه تغییر در نقش اجتماعی افراد از متاهل به مطلقه بودن و ایجاد نقشی جدید مشهور به مطلقه‌گی می‌باشد. نگاه به این موضوع از دید تغییر در نقش، دو بعد و کارکرد قابل ملاحظه دارد: اول اینکه در این گرایش، بر روی توقعات اطرافیان از آنهایی که تغییر نقش داده‌اند تاکید می‌شود. این تاکید مهم است چرا که به اعتقاد بعضی جامعه‌شناسان، «نقش»، واسطه یا پیوندی را میان جهان پهن دامنه (اجتماعی - فرهنگی) و عناصر تنگ دامنه (کنش‌های متقابل و شخصیت افراد) فراهم می‌کند (Berger and Luckman, 1973). مورد دوم اینکه نگاه مذکور به ایجاد سئوالاتی جدید می‌انجامد که از پیامدهای این تغییر بزرگ در زندگی مطلقه‌ها می‌باشد. در روند این تغییر و در ضمن تلاش برای سازش با نقش جدید، فرد مطلقه ضمن اینکه تحت تاثیر شرایط اجتماعی قرار گرفته است، آگاهانه یا به صورت ناخودآگاه به تعریف هویت جدیدی از خود می‌پردازد.

در جریان این تغییر، فرد مطلقه با حوادثی روبرو می‌شود که بر ذهن و روح او اثر می‌گذارد. وقوع حوادثی در طول زندگی و آموختن درس زندگی از آنها، در زبان جامعه‌شناسی «تجربه زیسته» نامیده می‌شود. تجربه زیسته، کلیت تجربیاتی است که فرد از آنها درس‌هایی می‌آموزد، به صورت راهنمای زندگی به کار می‌آید و نهایتاً در جامه اصولی برای زندگی عمل می‌کند. از این رو لازم است بدانیم منابع تجارب زیسته کدامند و از کدام عناصر اجتماعی (در سطح کلان)، و در زندگی

اجتماعی (در سطح میانی)، و تحت تاثیر شخصیت افراد (در سطح خرد) شکل می‌گیرد. تجربه زیسته مطلقه‌ها، طیف وسیعی از رخدادها و شرایط را در بر می‌گیرد، لذا برای درک مطلقه‌گی لازم است رخدادها و شرایطی که مطلقه‌ها با آنها روبرو می‌شوند، مشخص گردد.

آموخته‌های دوران مطلقه‌گی یا به عبارت بهتر «تجربه زیسته» آنان، در انتخاب‌هایی که انجام می‌دهند مؤثر می‌افتد. در چنین شرایطی هر چه فرد امکانات بیشتری داشته باشد بهتر و آسان‌تر می‌تواند به انتخاب دست بزند. به عنوان مثال کسانی که دارای امکانات مالی بیشتری هستند و از نظر سنی جوان‌تر می‌باشند و از طرف اطرافیان بیشتر حمایت می‌شوند، بهتر می‌توانند با مشکلات خود کنار بیایند یا آن را حل کنند. اما در نهایت، چگونگی حل این مشکلات به ارزش‌های فردی وابسته است که خود، از منابع مختلفی (مانند فرهنگ جامعه، والدین و غیره) و به ویژه از تجربه زیسته خود فرد مطلقه نشأت گرفته است. به عبارتی، چنین افرادی انتخاب‌هایشان را به میزان زیادی بر طبق آنچه که در دوران مطلقه‌گی آموخته‌اند یا الزامات فرهنگی معین می‌کند، انجام می‌دهند. بررسی انتخاب‌هایی که آنان می‌کنند و مشخص کردن آن عوامل، از وظایف چنین تحقیقی است. سؤال اصلی این نیست که مطلقه‌ها چرا طلاق گرفته‌اند یا چه مشکلاتی دارند یا بچه‌هایشان ممکن است چه ناهنجاری‌هایی پیدا کنند، بلکه سؤال اصلی این است که آنها هویت مطلقه بودن خود را چگونه تعریف می‌کنند و افراد درگیر، مطلقه‌گی را چگونه تجربه و تفسیر می‌کنند. از تفاسیر اولیه مطلقه‌گی چنین برمی‌آید که اولاً واقعه جدایی همسران نتیجه رابطه مسئله‌دار است. ثانیاً به نظر می‌رسد که مطلقه‌ها عمدتاً به دنبال ایجاد یک رابطه جدیدی هستند. از این رو در مطالعه زندگی مطلقه‌ها، «رابطه» به موضوع مهمی جهت تعمق و بررسی تبدیل می‌شود. مگر نه این است که آنان برای رفع بزرگ‌ترین

مسئله‌ای که پس از طلاق با آن روبرو هستند یعنی «تنهایی» تلاش می‌کنند؟ و مگر نه این است که آنان پس از طلاق عمدتاً بیشترین مشکلات را در روابطشان با اطرافیان و در ضمن تلاش برای پیدا کردن شریک زندگی تجربه می‌کنند؟ پس تجربه زیسته مطلقه‌ها به این موارد مهم ربط پیدا می‌کند.

از این رو مطلقه‌گی، بیانی از تغییر در نظام‌های ارزشی در سطوح اجتماعی، نهادی و فردی نیز می‌باشد. زیرا از طرفی، تجارب زندگی (تجربه زیسته) مطلقه‌ها به بروز ارزش‌هایی می‌انجامد که در نهایت معیار انتخاب‌های آنان در حل مشکلاتشان است. و از طرف دیگر ارزش‌های اجتماعی، معیاری برای شناسایی بهتر مسئله مطلقه‌گی و چگونگی آن به شمار می‌رود. از این رو دغدغه اصلی این تحقیق، شناسایی جریانات آشکار و نهان اجتماعی - فرهنگی است که در شیوه زندگی و ارزش‌های مطلقه‌ها نمود پیدا می‌کند.

خلاصه اینکه، مسئله‌مندی موضوع مطلقه‌گی در همین نکته نهفته است که تغییر در نقش‌ها نشانگر تغییر در ارزش‌هاست. تغییر در ارزش‌ها در نهایت در انتخاب‌های افراد و در نهایت در نوع و کیفیت روابط مطلقه‌ها با همدیگر تجلی می‌یابد. از این رو توصیف و توضیح این پدیده و بررسی ابعاد گوناگون آن و پیامدهایشان را در سطح وسیع‌تر، از اهداف کلان تحقیق می‌شماریم و مطالعه و بررسی این پدیده را با تمام ابعادی که ملاحظه شد موضوع تحقیق خود تلقی می‌کنیم.

اهداف ناگفته: از مسئله تحقیق می‌توان به هدف صریح و ضمنی تحقیق پی‌برد. اما تحقیق، اهداف ضمنی و ناگفته دیگری نیز دارد که اشاره به بعضی از آنها بی‌مناسبت نیست.

در کل چنین مطالعه‌ای ما را از رنج‌هایی که مطلقه‌ها متحمل می‌شوند آگاه می‌سازد. اما صرف توصیف و توضیح مشکلات مطلقه‌ها مسئله‌ای را

حل نمی‌کند. ما به این نتیجه رسیدیم بصیرتی که در راه این تحقیق بدست آمده بسیار مهم است. نکاتی از آن را می‌توان به عنوان درس زندگی استفاده کرد. چنین بصیرتی می‌تواند مانند راهنما یا قطب - نمای عملی برای زندگی باشد. لذا نگاهی که در طول مطالعه کتاب خواننده بدان دست می‌یابد و نتایج تحقیق می‌تواند برای اکثر مردم به عناوین مختلف سودمند باشد.

ما معتقدیم که گزارش واقعیات بدون توجه به جنبه‌های انسانی قضیه الزاماً مطلوب نیست. لازم نیست که گزارشی بی‌احساس و در حالت سوم شخص مفرد توصیف شود تا مقام و مرتبه علمی یابد. احساس نیاز افراد به درک شدن در لابلای روایات‌های زندگی مطلقه‌ها هویدا است. لذا تشویق و تقویت خواننده به ایجاد احساس همبستگی با مطلقه‌ها از اهداف ضمنی تحقیق است.

کتاب پیام‌های متعددی برای کسانی که در معرض طلاق هستند و یا کسانی که با این مشکل رودررو شده‌اند (مطلقه‌ها) دارد. بعضی از این پیام‌ها به صورت صریح به شکل نصیحت (مانند احتراز از طلاق) و بعضی به شکل توصیه در ضمن روایت شرح حال (مانند آشنایی با واقعیات‌های مطلقه‌گی) در داستان زندگی‌شان عنوان شده‌اند. اما وظیفه علم و کار علمی، موعظه کردن نیست. لذا ما برآنیم که از توصیه‌های مستقیم در شکل پند و اندرز احتراز کنیم و خواننده را از بصیرت‌هایی که در ضمن تحقیق یافته‌ایم، آگاه سازیم. آنگاه آنان پس از مطالعه تحلیل‌ها برداشت خود را داشته باشند. نگاه عمیق به پدیده‌ها منجر به کسب شناخت و آگاهی می‌شود و در نهایت به واقع‌بینی افراد کمک می‌کند. ما امیدواریم این هدف ضمنی حتی‌الامکان برای خوانندگان حاصل شود.

مخاطبین کتاب: در راستای چنین برداشتی است که ما معمولاً افراد تحصیلکرده، به ویژه طبقه متوسط شهری را بیشترین مخاطبین خود قرار داده‌ایم. به عبارتی مخاطبین اصلی ما افرادی هستند که درباره زندگی آنان نوشته‌ایم و یا افرادی که بالقوه ممکن است روزی به خیل مطلقه‌ها بپیوندند. زیرا معتقدیم افرادی که داستان‌های زندگی آنان برای ما الهام بخش بوده است، مسلماً می‌تواند برای دیگرانی هم که در واقع یا بالقوه در چنین شرایطی قرار دارند مفید باشد. لذا سعی شده بحث‌های علمی صرف را در حداقل نگهداریم. مسلماً این کتاب به نصیحت کردن نمی‌پردازد و خود را ملزم به رعایت چهار چوب علمی می‌داند، اما در ضمن با بکارگیری زبان ساده‌تر جهت ارتباط با خوانندگان، از قالب گزارش علمی صرف و خشک و بی‌روح و توضیح طولانی نظریه‌ها دوری می‌کند.

از طرفی این نوشته می‌تواند برای دانشجویان و همکاران علمی ما در دانشگاه نیز مفید باشد. بدین معنی که به عنوان اثری که به صورت علمی تحقیق شده اما به صورت نسبتاً عامه فهم نگاشته شده است الگویی مفید به شمار رود. گزارش‌های علمی عمیق به رغم مفید بودنشان، برای اکثریت مردم جامعه قابل استفاده نیستند. ما به نگارش کارهایی که قابل فهم برای عامه است توجه کرده‌ایم. اگر دیگران چنین کنند ما نیز به تکامل این روش حسنه می‌پردازیم.

در مقیاسی دیگر، مخاطبین این کتاب مسئولان دولتی هستند که در صورت تمایل به حل مسایل مربوط به مطلقه‌ها، می‌توانند آگاهی‌های ارائه شده در این کتاب را مورد استفاده قرار دهند. از آن میان می‌توان به نهادهای قانون‌گذاری، مجریان قانون، دادگاه‌های مدنی خاص و همچنین نهادهایی که کارشان بیشتر با امور خانواده یا مشاوره به آنان است اشاره کرد. لذا ما به طور غیر مستقیم آنان را نیز مورد خطاب قرار می‌دهیم و تا

آنجا که می‌توانیم آنان را در این زمینه آگاه سازیم. امیدواریم که این نوشته کوچک، قدمی مفید و راهگشا در این زمینه باشد.

یادآوری‌های مهم

قبل از شروع تحقیق سئوالاتی برای ما مطرح شد که جواب آنها را به درستی نمی‌دانستیم. ممکن است که بعضی از خوانندگان هم دغدغه‌های مشابه داشته باشند پس لازم است به چند مورد از آنها اشاره‌ای کنیم.

تعداد زیادی از مطالعات درباره طلاق و مشکلات آن، به اثرات طلاق روی بچه‌ها تکیه دارد، (انگار که خود همسران مشکلی ندارند) و یا بیشتر مطالعات به بررسی مطلقه‌ها (به ویژه زنان طلاق‌گرفته) می‌پردازند انگار که مردان مشکلی ندارند. از این رو در تحقیق حاضر، موضوع مورد مطالعه بررسی مطلقه‌گی به معنی نقش اجتماعی زنان و مردانی است که ایفای آن از منابع متنوعی از تجربه زیسته آنان نشأت می‌گیرد.

با توجه به موضوع تحقیق و گستره تجربه زیسته افراد مطلقه، زنان بیش از مردان مورد توجه بوده و تأکید روی آنان بمراتب بیشتر از مردان است. برای مثال در اکثر اوقات، بعد از طلاق، زنان مسئولیت نگهداری بچه‌ها را بعهده می‌گیرند. چون اغلب زنان در زمان متأهلی از نظر مالی وابسته به شوهرانشان هستند لذا بیشتر زنان مطلقه بیکارند و در نتیجه از نظر مالی بیشتر دچار مشکلات هستند، در نتیجه این قبیل زنان، اغلب مورد طمع و مزاحمت مردان قرار می‌گیرند. زنان بیشتر از مردان به حمایت خانواده و اطرافیان نیازمندند.

با در نظر گرفتن این قبیل نکات و دیگر مسائلی که در متن کتاب آمده است، طبیعتاً راجع به زنان بیشتر صحبت می‌شود تا مردان. با اینکه ما سعی کرده‌ایم حق مطلب را در مورد هر دو بیان کنیم اما به هر حال زنان پرمسئله‌تر هستند و شرایط آنان بحث‌های طولانی‌تری را می‌طلبد. با اینحال نباید مشکلاتی را که مردان نیز متحمل می‌شوند نادیده گرفت. به

قول معروف «نفی امری مخالف آنرا اثبات نمی‌کند»، یعنی اگر ما ثابت کنیم که مردان مطلقه هم مشکلاتی دارند، بدین معنی نیست که زنان مشکلاتی ندارند یا مشکلاتشان ناچیز است یا برعکس.

سؤال مهم دیگر این بود که ما در ابتدای تحقیق نمی‌دانستیم که مطالعه خود را روی طلاق‌گرفته‌ها یا بیوه‌ها متمرکز کنیم. تصمیم‌گیری درباره آن را به دسترسی به اطلاعات موقوف کردیم. با گذشت زمان و انباشت اطلاعات متوجه شدیم که «طلاق‌گرفته‌ها» و «همسران دست‌داده‌ها» با هم تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارند.

بعضی از تفاوت‌های مهم عبارت است از اینکه اولاً بیوه‌ای که همسرش فوت کرده، به اندازه طلاق‌گرفته بار معنایی منفی ندارد. ثانیاً فردی که همسرش را از دست داده، از نظر خانوادگی و جامعه، از حمایت بیشتری برخوردار است. از این رو با اینکه هر دو گروه بیوه‌ها (بی‌همسری به دلیل طلاق یا فوت همسر) از جهاتی مسائل مشابهی دارند به ویژه مزاحمت‌هایی توسط مردان که از بارزترین مشخصه‌های زنان مطلقه و بیوه محسوب می‌شود برای هر دو یکسان است. اما به دلیل تفاوت‌های آشکار، باید از یکسان شمردن آنها اجتناب کرد. لذا وقتی ما در این تحقیق از مطلقه‌ها صحبت می‌کنیم، منظورمان همان زنان و مردان طلاق‌گرفته هستند. با اینحال موارد مشابه به دلیل یکسان بودن مصادیق می‌تواند برای شناخت بعضی مسایل بیوه‌ها نیز مفید باشد با اینکه موضوع تحقیق ما نمی‌باشند.

مشکلات گردآوری اطلاعات: گردآوری اطلاعات در باره طلاق‌گرفته‌ها کار مشکلی است. چرا که:

- مسائل مربوط به زندگی افراد جزو حریم خصوصی آنان محسوب می‌شود و صحبت در این باره برای افراد غیر صمیمی، اگر نه غیرممکن، بسیار مشکل است.

- طلاق گرفته‌ها به دلیل کنجکاوی اطرافیان درباره زندگیشان بسیار حساس هستند و دخالت‌های بیجا در زندگی خصوصی خود را آزار دهنده می‌شمارند.

- وانگهی گردآوری اطلاعات درباره مردان، به دلیل بسته بودن آنان برای صحبت در زندگی خصوصی‌شان، بسیار مشکل‌تر از صحبت با زنان است.

برای حل این مشکلات تمهیداتی لازم بود.

با توجه به مشکلات یاد شده زمان زیادی در گردآوری اطلاعات، صرف پیدا کردن افراد آشنا یا ایجاد آشنایی کافی با آنها جهت جلب اعتمادشان شده است. وانگهی میزانی از اطلاعات لازم از طریق مشاهده مستقیم یا پرس و جو از اطرافیان مطلع به عنوان شاهدان عینی گردآوری شده است.

به رغم مشکلات، نمونه‌های کافی برای بررسی را پیدا کردیم. لذا با اینکه یافته‌ها قابل تعمیم به جامعه بزرگ‌تر نیستند اما به دلیل انتخاب نمونه‌ها از موارد ناهمگن (مانند انجام مصاحبه‌ها و مشاهدات از اقشار اقتصادی، رده تحصیلی، محل سکونت، سن، جنس، گرایش مذهبی و نگرشی مختلف) تا حد اشباع نظری (تکراری شدن اطلاعات) می‌توان امیدوار بود که برداشت‌های حاضر به میزان زیادی گویای زبان حال اکثریت طلاق گرفته‌ها در تهران بزرگ باشند.

روش تحقیق: با توجه به این پیچیدگی‌هایی که ملاحظه شد، در این تحقیق از شیوه روایتی روش تحقیق کیفی استفاده شده است. این بدان معنی است که سعی شده به موضوع‌ها از دید افراد درگیر نگریسته شود. همان طور که خواهیم دید تلاشی جهت کشف ذهنیت افراد درگیر و واکنش‌های اطرافیان‌شان به آنان است.

سازماندهی مطالب: مطالب این کتاب، هم نگاه از سطح خرد فردی و هم نگاه در سطح کلان اجتماعی را در مد نظر دارد. ترتیب فصول کتاب از این قرارند:

در فصل اول ابتدا به توصیف روش روایتی، بعد به شرح روایت زندگی چندین مطلقه و در آخر به شرح نقاط مشترک روایت‌ها پرداخته شده است. فصل دوم به تجربه زندگی (تجربه زیسته) مطلقه‌ها، با توجه به عناصر ارتباطی و اجتماعی آن تجارب پرداخته می‌شود. در فصل سوم به منبع و تأثیر ارزش‌هایی که مطلقه‌ها در ضمن انتخاب‌هایشان به کار می‌گیرند توجه شده است. در فصل چهارم به سنخ‌شناسی مطلقه‌ها و ویژگی‌های آنها در سایه تجربه زیسته و با نگاه به ارزش‌های آنان می‌پردازد. در فصل پنجم به مطلقه‌گی به عنوان مسئله اجتماعی نگریسته می‌شود و در فصل نهایی به یک خلاصه و تجزیه و تحلیل اکتفا می‌شود.

قدردانی

در اینجا لازم است نخست از زنان و مردان مطلقه‌ای که ما را در انجام این پژوهش یاری کرده‌اند تشکر کنم. آنها صادقانه در باره زندگی خود و مشکلاتشان با ما صحبت کردند. تعداد آنها زیاد است و بسیاری از آنها را من شخصاً ندیده‌ام اما در هر صورت به همه آنها مدیونم.

لازم است در این تحقیق از سرکار خانم فرشته میرخشتی که در تمام مراحل تحقیق همیشه در کنار من بوده و یاری‌ام کرده‌اند قدردانی کنم. همچنین باید از همکاری بسیار مفید خانم معصومه شیرعلیزاده هم قدردانی می‌کنم.

از افراد دیگری که به طور غیر مستقیم به انجام این تحقیق کمک کردند مانند مدیرانی که در تصویب این طرح در پژوهشگاه تلاش نمودند یا امکانات مالی فراهم کرده یا مشکلات اداری را حل نمودند تشکر می‌کنم.

پیشگفتار ۱۷

در ضمن از آقایان و خانم‌ها دکتر نعمت‌اله فاضلی، ناهید مؤید حکمت، ناصر زعفرانچی مقدم، سید رضا محمدی، مهندس حسین محمدی و مرتضی پورعطایی، مهنوش هدایتی که نسخه اولیه کتاب را خوانده‌اند و سایر همکاران که بخش‌هایی از آن را خوانده و پیشنهادات اصلاحی دادند، قدردانی خاص دارم. همچنین تشکر دارم از عزیزان مطلعی که به ما فرصت مصاحبه و کسب اطلاعات ذی‌قیمت دادند از جمله آقایان سید سجاد علم الهدی، اصغر کیهان نیا و محمود معظمی. قدردان زحمات خانم مریم رفیعی طاقانکی جهت ویرایش نیز می‌باشم.

سید بیوک محمدی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۳۹۹

لطفاً نظرات خود را با ما در میان بگذارید.

Buik@ihcs.ac.ir

Buik.mohammadi46@gmail.com

فصل اول

داستان زندگی

ما آزموده‌ایم در این شهر بخت بیرون کشید باید از این ورطه رخت
از بس که دست می‌گزم و آه آتش زدم چو گل به تن لخت لخت
(حافظ)

هر کس داستان زندگی خودش را دارد، برای اینکه او را درک کنی، باید پای صحبتش بنشینی و تجربیات زندگی و داستان‌ش را بشنوی. در مورد طلاق گرفته‌ها بهتر است ابتدا از رابطه آنان با همسرشان، دلیل جدایی و چگونگی ترک کردن زندگی و مراحل قانونی و احساساتی که در حال حاضر نسبت به وی دارند، آگاه شوید. بدون چنین آگاهی نمی‌توان اهداف و انگیزه‌های آنان را شناخت. زیرا چگونگی زندگی کنونی و نگرش آنها به جهان اجتماعی متأثر از تجارب زندگی یا به عبارت بهتر «تجربه زیسته» آنهاست. همچنین آنان داستان‌های ناتمام زندگی دارند که ادامه‌اش به روابط و شرایط جدید زندگی سرانجام می‌شود. آنگاه وارد زندگی جدیدی می‌شوند که نقش اجتماعی آنان را از فردی متأهل به فردی مطلقه تغییر دهد. این تغییر نقش سبب ایجاد زندگی متفاوتی خواهد شد، یا به اصطلاح، افکار، احساسات و رفتارهای جدید می‌طلبد که متأثر از تغییری بزرگ و بروز هویت جدید طلاق‌گرفته (مطلقه) است. تجربه زیسته، علاوه بر اینکه جوهر داستان‌های زندگی است، ریسمانی

است که تجارب مختلف را در محتواهای گوناگون به همدیگر مرتبط می‌سازد و به صورت ارزش‌ها و اولویت‌های جدید عمل می‌کند. در راستای چنین نگاهی است که در این فصل ابتدا به توضیح مختصر تجربه زیسته می‌پردازیم. سپس تجربه زیسته عده‌ای از مطلقه‌ها را به شکل روایت بیان کرده و در پایان به شرح نقاط مشترک تجارب آنان به عنوان پیش‌درآمدی برای فصول آینده جهت بررسی می‌پردازیم.

تجربه زیسته و روایت آن

تجربه زیسته: تجربه زیسته، آموخته‌هایی هستند مبتنی بر تجارب شخصی افراد که بیانی از دورنمای زندگی بوده و چگونگی شکل‌گیری آنها نیز می‌باشد. تجربه زیسته در تحقیقات کیفی به مثابه درک تجربیات و انتخاب‌هایی است که افراد مورد مطالعه بدان‌ها دست می‌زنند. تجربه زیسته، فرد را به‌طرف خودآگاهی سوق می‌دهد این خودآگاهی به زندگی افراد یکپارچگی می‌بخشد. تجربه زیسته افراد، ضمن اینکه گسسته و منفرد هستند، شباهت‌هایی نیز به هم دارند. لذا در عمل اکثر افراد معمولاً به صورت یکپارچه به جامعه وسیع‌تر واکنش نشان می‌دهند تا آنجا که فضایی برای روایت داستان و تعبیر بدست می‌دهند (Boylorn, 2008, 489). تجربه زیسته افراد، به محقق اجازه می‌دهد که با استفاده از زندگی آنان، جامعه و ارتباطات آنها را بشناسد. از این رو پیشگامان این زمینه از تکنیک مطالعه خاطرات، گزارش‌های روایتی و امثال آنها استفاده کرده‌اند. در این گونه مطالعات، بیشتر روی حوادث روزمره و خودآگاهی تمرکز می‌کنند. تاریخ زندگی یا تجارب معمولی، بر حوادث روزانه متمرکز است اما تجربه زیسته با شناخت و تعبیر دنیا توسط خود افراد نیز سر و کار دارد.